

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۶ سپتمبر ۲۰۲۰

درباره زندگی رفیق شهید عزیز پور احمدی



چریک فدائی خلق رفیق "عزیز پور احمدی" در آبان ماه [عقرب] ۱۳۳۹ در بندر عباس چشم به جهان گشود. در خانواده ای که همواره بحث و مناظره های اجتماعی و سیاسی در آن جاری بود، رشد کرد و به ادبیات و مطالعه کتاب علاقه مند شد. به دلیل آگاهی هائی که از فضای حاکم بر خانه کسب کرده بود، از همان نوجوانی با مشکلات جامعه آشنا شد. در دوران دبیرستان و در شرایطی که امواج انقلاب می رفت تا سراسر ایران را فرا گیرد همراه با تعدادی از رفقاییش به کمک کپرنشینان شهر بندر عباس برخاست. به این ترتیب رفیق عزیز پور احمدی با همه وجود به انقلاب پیوست تا سهمی در کمک به انقلاب مردم ستمدیده برای رهائی از شر رژیم وابسته به امپریالیسم شاه و اربابان چپاولگرش داشته باشد.

در جریان شرکت در انقلاب، رفیق پور احمدی، با توجه به جایگاه بزرگی که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در میان توده های سراسر ایران و از جمله در بندر عباس کسب نموده بود، به مطالعه آثار و مطبوعات این سازمان مبادرت نمود و سپس به طرفداری از آن برخاست. در این زمان یعنی در اوج انقلاب همراه با رفقای چون حسین رکنی، محمود یوسفی، منصور بنزاده، علی قاسمی، احمد پیل افکن، عارف بلوکی شورای محله را ایجاد کرد و همگی با هم مدتی نگرهبانی و کنترل برخی محله های شهر بندر را بر عهده گرفتند. به دنبال قیام بهمن [دلو] و علنی شدن سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، رفیق پور احمدی از یک طرف با دیدن سازشکاری ها و مامشات طلبی های اپورتونیست های رخنه کرده در درون سازمان و از طرف دیگر به دلیل آشنائی با دیدگاه و نظرات رفیق احمدزاده خیلی زود صفوف سازمان تصرف شده توسط اپورتونیست ها را ترک نموده و به هواداری از "چریکهای فدائی خلق ایران" برخاست. رفیق عزیز پور احمدی در پرتو آگاهی سیاسی و تجارب زندگی اش، صحت نظرات چریکهای فدائی خلق را دریافت که معتقد بودند که با توجه به عدم تغییر مناسبات تولیدی حاکم در جریان انقلاب سال های ۵۶-۵۷ و تلاش دارو دسته خمینی جهت حفظ و بازسازی آن مناسبات، جمهوری اسلامی نیز همانند رژیم شاه رژیمی وابسته به امپریالیسم می

باشد و به همین دلیل همانطور که تحلیل های رفیق مسعود احمدزاده نشان داده بود تا سلطه امپریالیسم بر قرار است از آزادی و دموکراسی خبری نخواهد بود.

رفیق "عزیز" همراه با یارانش از جمله اولین رفقای در بندر عباس بودند که با متشکل شدن در یک گروه به هواداری از چریکهای فدائی خلق برخاستند. پس از ایجاد این تشکل هواداری، رفیق عزیز و چند تن دیگر از رفقای، جهت ایجاد ارتباط مستقیم با سازمان به کردستان سفر کردند. این رفقاء ضمن تماس با تشکیلات در کردستان، در ارتباط مستقیم با چریکهای فدائی خلق قرار گرفته و فعالیت های خود را در سطح شهر بندر عباس گسترش داده و با تشکیل هسته های سیاسی-نظامی برای تأمین نیاز های مالی تشکیلات به مصادره بانک هائی مبادرت نمودند. با توجه به این که فعالیت ها و تبلیغات رفقاء توجه بخش بزرگی از جوانان شهر را به خود جلب نموده بود، در سال ۵۹ این بحث بین رفقاء مطرح شد که بهتر است کمپی آموزشی در کوه های منطقه ایجاد گردد تا هم رفقای جوان در آن آموزش ببینند و هم برای حرکت های بعدی آمادگی ایجاد شود. جهت تحقق این برنامه بود که رفیق عزیز همراه با رفقاء قنبر پیشدست، رضا خالصی، محمود یوسفی، محمد امین ترابی و ... به کوه های دستگرد (در منطقه کهنوج و قلعه گنج) رفتند تا امکانات موجود را بررسی کرده و در جهت تحقق چنین برنامه ای گام بردارند. اما متأسفانه رفقاء با یورش نیروهای مزدور محلی مواجه شده و در جریان یک درگیری رفقاء قنبر پیشدست و محمود یوسفی به شهادت رسیدند و رفقاء عزیز پور احمدی و رضا خالصی مجروح گشتند. رفقاء با جنگ و گریز با نیروهای جمهوری اسلامی به هر زحمتی بود همراه با رفقای مجروح، خود را به بندر عباس رساندند با این تصمیم که در زمان دیگری و با تدارکات بیشتری به برنامه ای که در نظر داشتند عمل کنند. در این بین شدت جراحات رفیق پور احمدی تا به آن حد بودند که وی مجبور شد برای مداوا به تهران سفر کند. اگر چه به رغم همه مداواها کمر و پای چپ رفیق صدمه جدی دیده بود که هرگز بهبودی کامل را باز نیافت.

در سال ۶۰ و به دنبال یورش گسترده دشمن به سازمان های سیاسی و ضرباتی که به تعدادی از رفقای بندر عباس که به کرج منتقل شده بودند وارد آمد، تعدادی از رفقاء دستگیر شدند. در این مقطع، رفیق عزیز به بندر بازگشت تا در سازماندهی مجدد رفقاء شرکت کند. اما متأسفانه در آذر ماه [قوس] سال ۶۰ زمانی که او با رفیق حسن روان در خانه ای بودند، محل استقرار شان مورد یورش پاسداران جنایتکار جمهوری اسلامی قرار گرفت. رفقاء دست به مقاومت زدند و در جریان درگیری بین این دو رفیق و نیروهای دشمن (مزدوران جمهوری اسلامی)، رفیق عزیز پور احمدی همراه با رفیق حسن روان به دست دژخیمان جمهوری اسلامی به شهادت رسیدند.

پایداری رفقاء در مقابله با دشمن در جریان این نبرد خونین نشان داد که رفیق عزیز و یارانش به عهدی که با طبقه کارگر و توده های ستمدیده بسته بودند وفادارند. آنها زمانی که قدم به صحنه مبارزه با دشمنان توده های رنجدیده ایران گذاشته بودند، عهد بسته بودند که برای رسیدن به آزادی و سوسیالیسم تا آخرین گلوله و نفس خود بجنگند؛ چنین بود که آنها با مرگ افتخار آفرین خود پای بندی شان را به این عهد بر همگان آشکار ساختند. در طی چنان نبرد خونین و دلیرانه بود که چریکهای فدائی خلق ایران رفقای عزیزی همچون رفیق عزیز پوراحمدی و حسن روان را برای همیشه از دست دادند، اما یاد عزیز و خاطره تلاش های سترگ شان برای از بند رهایی کارگران و توده های محروم ما همواره همچون ستاره ای در آسمان خلق می درخشد.

یاد رفیق "عزیز پوراحمدی"، گرامی و راهش پر رهرو باد!

به نقل از: ماهنامه کارگری، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۸۰، پانزدهم شهریور ماه [سنبله] ۱۳۹۹